

آیا دولت امسال موفق به حذف یارانه سه دهک پردرآمد می‌شود؟

پولدارها همچنان یارانه می‌گیرند



زهره فریدزادگان

روزنامه نگار

چالش حذف یارانه دهک‌های پردرآمد که از ابتدای روی کار آمدن دولت یازدهم از یک‌سوی مورد نقد دولتمردان و از سوی دیگر شعار هدفمندشدن پرداخت یارانه‌ها جزء شعارهای انتخاباتی حسن روحانی بود، امسال وارد ششمین سال خود شد. در سال پایانی دولت یازدهم، دولت از سوی مجلس مکلف شد یارانه ۲۵ میلیون نفر از یارانه‌بگیران را حذف کند. این در حالی بود که سخنگوی دولت تاکید داشت امکان حذف این تعداد از یارانه‌بگیران وجود ندارد و دولت قادر است تنها یارانه ۶ تا هفت میلیون نفر را حذف کند. البته این وعده دولت نیز در نهایت با حذف یارانه تنها ۳/۵ میلیون نفر از یارانه‌بگیران، به‌طور کامل محقق نشد.

فراهم‌نبودن زیرساخت‌های لازم، نبود بانک جامع اطلاعاتی از میزان درآمد خانوارها، انفعال مجلس در قبال قانون هدفمندشدن یارانه‌ها، ناتوانی دولت در حذف یارانه دهک‌های پردرآمد، ترس دولت از واکنش دهک‌های یارانه‌بگیر در برابر حذف یارانه دریافتی و بی‌برنامگی یا به عبارت بهتر، عدم قابلیت اجرایی برنامه‌های دولت برای اختصاص منابع حاصل از حذف یارانه دهک‌های پردرآمد به فقرزدایی و کاهش آمار فقر در کشور، تنها نمونه‌ای از شرایط حال حاضر کشور است که حذف یارانه دهک‌های پردرآمد در سال ۹۸ را با اما و اگرهای فراوانی روبه‌رو کرده است.

۹۶ درصد یارانه‌بگیر در کشور

دولت در لایحه بودجه سال ۹۸ طرحی را برای حذف یارانه سه دهک هشتم، نهم و دهم به مجلس ارائه داد و پیشنهاد کرد اجرای این طرح به‌صورت استثنائی انجام شود. در تبصره ۱۴ لایحه بودجه سال ۹۸ به استانداران سراسر کشور اجازه داده شده با هماهنگی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و براساس پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان، نسبت به حذف یارانه نقدی سه دهک بالای درآمدی اقدام کنند. استانداری‌ها همچنین باید منابع حاصل از حذف یارانه این دهک‌ها را برای ریشه کنی فقر و تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام اولویت‌دار در هر استان صرف کنند. براساس آنچه در لایحه بودجه سال ۹۸ آمده است، دولت باید ۴۲۵ هزار میلیارد ریال در قالب یارانه نقدی پرداخت کند. اگر این میزان را به جمعیت کشور تقسیم کنیم، مشخص می‌شود دولت ماهانه به بیش از ۷۸ میلیون نفر، یعنی معادل ۹۶ درصد جمعیت کشور یارانه نقدی می‌پردازد. این در حالی است که جامعه هدف در قانون هدفمندی یارانه‌ها شامل ۲۰ تا ۳۰ درصد خانوارهای کشور را شامل می‌شود، در نتیجه بیش از ۷۰ تا ۸۰ درصد یارانه‌بگیران کنونی باید از فهرست دولت برای دریافت یارانه حذف شوند.

در این صورت اگر یارانه ۸۰ درصد از خانوارهایی که نیاز چندانی به یارانه نقدی ندارند حذف شود، رقمی معادل ۳۲ هزار میلیارد تومان در منابع دولت صرفه‌جویی برای اجرای برنامه‌های فقرزدایی صرف می‌شود.

همه بهانه‌های دولت

دولت ناتوانی خود را در اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها با «نبود اطلاعات دقیق از میزان درآمد خانوارها» توجیه می‌کند. در اینکه اطلاعات دقیقی از وضعیت ثروت و درآمد خانوارهای ایرانی در قالب یک بانک جامع اطلاعاتی وجود ندارد شکمی نیست و علی‌القاعده این امر، یک معضل اساسی برای اقتصاد کشور محسوب می‌شود. بدیهی است تازمانی که چنین اطلاعاتی وجود نداشته باشند، نه تنها طرح‌های کلان اقتصادی به‌درستی اجرا نمی‌شود بلکه عدم شفافیت، رصد کارکرد نظام مالیاتی، عملکرد بانک‌ها و سایر مولفه‌های اقتصادی را دشوار می‌کند.

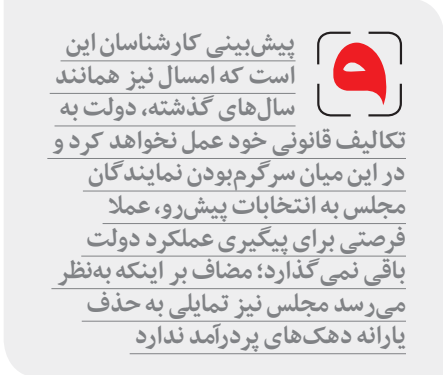
درواقع اگر چه دولت اعلام کرده است اطلاعات دقیقی از میزان درآمد خانوارها ندارد، اما به‌نظر می‌رسد دولت به این بهانه می‌کوشد در برابر حذف یارانه یارانه‌بگیران پردرآمد تا حد امکان مقاومت کند. در این میان انفعال نمایندگان به‌ویژه در سالی که انتخابات مجلس پیش‌رو قرار دارد، مزید بر علت شده است. شکی نیست این تعلل دولت در حذف یارانه پردرآمدها و اضافه کردن آن به یارانه افشار کم‌درآمد، نه تنها تحقق برنامه‌های دولت در کاهش فقر را به‌همراه ندارد بلکه موجب می‌شود بیش از دوهزار میلیارد تومان از منابع بخش‌های دیگر را برای پرداخت یارانه به ۷۸ میلیون نفر اختصاص دهد.

عملکرد دولت؛ هر سال بدتر از سال قبل

از زمان روی کار آمدن دولت دوازدهم، هرساله و هم‌زمان با تدوین لایحه بودجه، دولت با ارائه طرح‌هایی برای هدفمندسازی

یارانه‌ها در سال پیش‌رو به‌گونه‌ای مدعی هدفمندشدن یارانه‌ها می‌شود. در اسفندماه سال ۹۷ گزارشی در همین صفحه منتشر شد که در بخشی از آن به مرور طرح هدفمندشدن یارانه‌ها در بودجه سال‌های گذشته پرداخته بود که اگرچه بیان آن تکرار مکررات است، اما نگاه کوتاهی به آمار منتشرشده در این گزارش نتیجه‌گیری درمورد چرایی هدفمندشدن یارانه‌ها را تسهیل می‌کند.

در قانون بودجه سال ۹۳ دولت مکلف شد یارانه نقدی را صرفا به سرپرستان خانوارهای متقاضی که به تشخیص دولت نیازمند دریافت یارانه باشند، پرداخت کند مشروط بر اینکه مجموع درآمد سالانه آنها کمتر از رقم تعیین‌شده توسط دولت باشد. این طرح با شکست مواجه شد؛ چرا که قرار بود افراد متقاضی



دریافت یارانه نقدی در موعد تعیین‌شده به مراکز ثبت‌نام مراجعه کنند اما پس از اتمام زمان ثبت‌نام مشخص شد تنها حدود سه‌میلیون نفر از یارانه‌بگیران کشور برای دریافت یارانه ثبت‌نام نکرده‌اند.

در قانون بودجه سال ۹۴، بار دیگر دولت مکلف به قطع یارانه خانوارهای پردرآمد شد اما این بار هم دولت در اجرای قانون ناتوان ماند تا جایی که آمارها نشان می‌دهد در پایان سال ۹۴ تعداد یارانه‌بگیران کشور بدون تغییر، همچنان ۷۴/۶ میلیون نفر بودند.

در قانون بودجه سال ۹۵ نیز دولت موظف شد یارانه تمامی تجار و صاحبان مشاغل آزاد را که درآمد سالانه آنها حداقل ۳۵ میلیون تومان بود، نمایندگان، قضات و اعضای هیات علمی پزشکان و دندان‌پزشکان، تمامی کارکنان دولت و قوای سه‌گانه و شهرداری‌ها و تمامی موسسات عمومی و غیردولتی و تمامی کارکنان نیروهای مسلح و بازنشستگان کشوری و لشکری و تمامی حقوق‌بگیران و مستمیری‌بگیران مشمول تأمین اجتماعی و همه دریافت‌کنندگان حقوق و مستمری بخش دولتی و غیردولتی که دریافتی سالانه آنها بیش از ۳۵ میلیون تومان بود، قطع کند. نتیجه این شد که در پایان سال ۹۵ تعداد یارانه‌بگیران کشور با افزایش ۸۰۰ هزار نفری نسبت به سال ۹۴ به ۷۵/۴ میلیون نفر برسد!

در بودجه سال ۹۶ نیز تبصره یا بندی قانونی درمورد قطع یارانه ثروتمندان وجود نداشت، از این رو تعداد یارانه‌بگیران با افزایش ۱/۳ میلیون نفری نسبت به سال ۹۵ به ۷۶/۷ میلیون نفر رسید.

کارنامه ژنرال نفتی در پالایشگاه‌سازی؛ تقریباً هیچ!

طرح‌هایی که ادامه زنجیره می‌دهند، ۳۰ درصد تخفیف دهد، وی با اشاره به برخی مفاد آیین‌نامه اجرایی مذکور تصریح کرد: «برای مثال در آنجا عنوان شده واحدهای پتروشیمی که از خوراک گاز (اتان یا متان) استفاده کنند و ادامه زنجیره دهند، ۳۰ درصد تخفیف می‌گیرند، در صورتی که اگر یک پتروشیمی از گاز مایع استفاده کند مثل میعانات و نفتا، فقط می‌تواند پنج درصد تخفیف بگیرد. این مساله باعث شده میزان تولید متانول در کشور زیاد شود و بالانس زنجیره‌های دیگر مثل میعانات و نفتا که کشور به آنها نیاز دارد، به‌شدت منفی شود.»

این کارشناس پتروشیمی افزود: «بنابراین در دوره وزارت زنگنه هیچ واحد پتروشیمی‌ای که بخواهد آغاز به کار آن از صفر شروع شود، وجود ندارد و واحدهایی هم که در این دوران به بهره‌برداری رسیدند، متانولی هستند از جمله پتروشیمی مرجان.»

حسینی گفت: «شمانگاه کنید اکثر پتروشیمی‌های مهم کشور مثل پتروشیمی بندر امام، پتروشیمی بزرویه، پتروشیمی مارون و پتروشیمی شازند نیز در زمان زنگنه ساخته نشدند در حالی که اگر زنگنه در این حوزه دغدغه داشت باید پتروشیمی‌هایی با شاخص‌های مهم تأسیس می‌کرد.»

وی با انتقاد از شیوه اعطای مجوز برای واحدهای پتروشیمی در دوره وزارت زنگنه عنوان کرد: «سه سال قبل زنگنه در مجلس گفت دیگر مجوز متانول نمی‌دهد. از آن زمان تاکنون فقط به طرح‌هایی مجوز داده شده که خوراک گاز دارند. این در حالی است که در پتروشیمی فرآیندی به اسم GTOP وجود دارد که گاز را به متانول و بعد متانول را به اولفین تبدیل می‌کند. وی تاکید کرد: «ما این فرآیند را از لحاظ اقتصادی بررسی کردیم و متوجه شدیم IRR از نسبت به متانول خیلی بالاتر از این است که آن را به محصولاتی مانند اولفین تبدیل کنیم. بنابراین هنوز کار در زنجیره اوج انجام می‌شود و روندی که زنگنه ایجاد کرد هرگز زنجیره ارزش را به وجود نمی‌آورد.»

چهارم ستاره خلیج فارس گواه این است که نمی‌توان این پروژه را دستاورد بیژن زنگنه و تیم همراهش در وزارت نفت دانست.

توسعه پتروشیمی‌ها، رویایی که فراموش شد

در ادامه «شانا» تلویحا عدم اعتقاد زنگنه به ساخت پالایشگاه را پذیرفته و ادعا کرده نگاه زنگنه بیشتر به سمت ساخت و توسعه پتروشیمی‌ها بوده است، اما بررسی اقدامات زنگنه نشان می‌دهد اتفاقاً وزیر فعلی در این حوزه نیز دستاورد چندانی نداشته است. در این راستا علی حسینی، کارشناس پتروشیمی با بررسی تاریخچه ساخت و توسعه صنایع پتروشیمیایی می‌گوید: «ما از زمان اعلام قانون الحاق دو در سال ۹۴ قیمت گاز طبیعی و اتان را به‌گونه‌ای فرموله کردیم که برای توسعه مزیت‌دار بود. این دیدگاه کلی کشور محسوب می‌شد و حتی قبل از سال ۹۴ هم بنابر همین بود. در همین راستا برای شکل‌گیری فاز صفر پتروشیمی منطقی بود که رانت عظیمی داده شود. همچنین به واحدهایی هم که به بهره‌برداری رسیدند مجبور شدیم رانت در خوراک دهیم تا صنعت پتروشیمی پا بگیرد.»

وی افزود: «اما از زمان تصدی وزارت نفت توسط زنگنه، هیچ واحد پتروشیمی تأسیس نشد و هر واحدی هم که در این دوران به بهره‌برداری رسید، تأسیس آن مربوط به گذشته بود. بنابراین باید گفت زنگنه برای توسعه صنعت پتروشیمی هیچ کاری نکرده است.»

حسینی خاطرنشان کرد: «تنها کاری که زنگنه در این دوران انجام داد، تهیه آیین‌نامه اجرایی برای یکی از بندهای قانون الحاق ۲ در قانون هدفمندی بود اما چون روی این آیین‌نامه اجرایی کار کارشناسی صورت نگرفته، غیرقابل انجام است و به درد نمی‌خورد. براساس این بند، وزارت نفت مکلف است خوراک صنایع پتروشیمی چه در حوزه اتان، متان یا میعانات گازی را تأمین کند. همچنین قانون به وزیر نفت اجازه داده به

سیداحسان حسینی | روزنامه‌نگار

از مجموع ۵ پالایشگاه نفتی کشور همه در زمانی ساخته شده که بیژن زنگنه، وزیر نفت فعلی بر مسند وزارت نفت حضور نداشته است. درواقع کارنامه ساخت پالایشگاه در ایران به‌روشنی بیان می‌کند بیژن زنگنه نمره مردودی در این حوزه کسب کرده است. کارشناسان معتقدند دلایل اصلی توسعه‌نیافتن پالایشگاه‌ها در دوران طولانی ریاست زنگنه بر وزارت نفت ایران از تفکرات وی و تیم همراهش نشأت می‌گیرد. در این زمینه وی مرداد ۹۳ در برنامه اقتصادی پایش شبکه یک سیما در واکنش به این پرسش که چرا طی سال‌های ۷۶ تا ۸۴ که وزیر نفت بودید، هیچ پالایشگاه جدیدی نساختید، عنوان کرد: «ساخت پالایشگاه به‌صرفه و سودآور نیست. من تأسیس پالایشگاه را امری مقدس نمی‌دانم اما مخالف تأسیس آن هم نیستم و اگر لازم باشد پالایشگاه نیز راه‌اندازی می‌شود.» اما به‌رغم مخالفت آشکار زنگنه با ساخت پالایشگاه و کارنامه وی در این حوزه، اخیراً برخی رسانه‌های حامی وزیر نفت گزارشی منتشر کرده‌اند تا اثبات کنند بیژن زنگنه مخالف پالایشگاه‌سازی نیست. گزارش حاضر نشان می‌دهد برخلاف حمایت رسانه‌ای، دستاورد زنگنه در حوزه پالایشگاه‌سازی تقریباً هیچ بوده است.

دستاوردسازی برای ژنرال نفتی

در گزارش ششانا (وابسته به وزارت نفت) به نقل از زنگنه آمده است: «من هیچ‌وقت مخالف ساخت پالایشگاه نبوده‌ام و حتی پالایشگاه خلیج فارس در زمان من ساخته شد. قرار بود ساخت پالایشگاه‌های فوق سنگین نیز در زمان من اجرایی شود و این بحثی است که به اشتباه از قول من مطرح شده و من با پالایشگاه با هر شکل و نوعی که دارای ارزش تولیدی است، مخالفتی ندارم، اما می‌گویم پالایشگاهی باید ساخته شود که توجیه اقتصادی داشته باشد و پالایشگاهی که در زمان من ساخته شد، این توجیه را داشت. هم پالایشگاه ستاره خلیج فارس و هم پالایشگاه‌های فوق سنگین توجیه اقتصادی دارند.»

درواقع زنگنه در حالی ساخت پالایشگاه ستاره خلیج فارس را دستاورد خود عنوان می‌کند که ساخت این پالایشگاه از زمان دولت‌های نهم و دهم آغاز شده بود. در این راستا جلیل



کارنامه مردود زنگنه در ساخت پالایشگاه

درمجموع در گزارش «شانا» تلاش شده به مخاطب این‌گونه القا کند که موانع موجود، دلیل اصلی عدم توفیق زنگنه در ساخت پالایشگاه است. اما این ادعا که در مسیر ساخت پالایشگاه موانعی وجود دارد نکته جدیدی نیست و در دوره‌هایی که زنگنه بر وزارت نفت نیز ریاست نداشته این موانع وجود داشتند و اتفاقاً پالایشگاه هم ساخته شدند. برای مثال در دوره ریاست آقایاده در دولت سازندگی دو پالایشگاه اراک با ظرفیت ۱۷۰ هزار بشکه و پالایشگاه بندرعباس با ظرفیت ۳۰۰ هزار بشکه ساخته شدند. همچنین در دولت‌های نهم و دهم نیز ساخت سه فاز پالایشگاه ستاره خلیج فارس آغاز شده و با ۷۰ درصد پیشرفت فیزیکی ادامه پیدا کرد. علاوه‌بر احداث پالایشگاه ستاره خلیج فارس، ۶ طرح پالایشی دیگر نیز تدوین شده که مجموع این طرح‌ها با نام طرح هفت‌خواهران پالایشی شناخته می‌شوند که البته از این طرح‌ها فقط پالایشگاه ستاره خلیج فارس به بهره‌برداری رسید. البته بررسی کمی ساخت پالایشگاه در دوره‌هایی که زنگنه وزیر نفت نبوده‌نیز می‌تواند محل انتقاد کارشناسان قرار گیرد اما نکته اینجاست که غیر از زنگنه مابقی وزرای نفت هیچ‌وقت مخالف ساخت پالایشگاه نبودند و در این راستا اقدامات مورد قبولی را داشتند اما شخص زنگنه از اساس تشبه به ریشه پالایشگاه‌سازی زده و آن را امر مقدسی نمی‌داند که کارنامه وی در این حوزه کاملاً تفکرات او را آشکار می‌کند.